



عمل صالح

الموسوم به

شاه جهان نامه

تصنيف

محمد صالح كنبر لاهوري

به تصحيح و تنقيح

غلام يزداني او - بي - اي

ناظم محكمه آثار قديمه در رياست حيدر آباد دکن

و ماهر کتبات السنه عربيه و فارسيه در سرکار همد

جلد سوم

باهتمام زوائل ايشيائيک سوسائتي بنگال

در مطبع پبلسٹ مشن کلکتہ طبع شد

سنه ۱۹۳۹ عيسوي



عمل صالح

جلد سوم

فهرست مضامین

صفحه	عنوان
۱ ...	آغاز سال بیست و یکم جلوس میمنت مانوس ...
۳ ...	پناه آوردن نذر محمد خلی باستان دولت نشان و باز مرحمت فرمودن ملک بلخ و بدخششان بغان مذکور ...
۶ ...	معادرت مویکب همایون از کابل بدار السلطنت لاهور و از آنجا بمستقر الخلافت اکبر آباد ...
۱۰ ...	تذمه احوال بلخ و بدخششان و مرحمت نمودن این دو ملک به نذر محمد خان ...
۱۹ ...	جشن وزن مبارک شمسی ...
۲۰ ...	کیفیت ارسال قندیل مرصع بروغنه منبرکه حضرت سرور کایدات صلی الله علیه و سلم ...
۲۳ ...	نوروز عالم افروز ...
۲۴ ...	گزارش بغای حصار و عمارات شاهجهان آباد و کیفیت آبادی و جریان نهر ...
۳۰ ...	حقیقت قلعه و عمارات مرکز محیط دولت ...

(ب)

صفحه	عنوان
...	اساس یافتن مسجد جامع و احداث آن بنامی خیر حسب الحکم
۵۱	خدیدو عالم بر کوهچقکه که در وسط شاهجهان آباد واقع است ...
...	نزول اشرف حضرت صاحبقرانی در شاهجهان آباد و تزئین پذیرفتن
۵۵	جشن عسرت و دیگر خصوصیات ...
۶۲	جشن وزن مبارک قمری ...
۶۳	آغاز سال بیست و دوم از جلوس اقدس ...
...	افتیاض الریه بجانب سفیدرون برای شکار و رسیدن خبر آمدن والی
۶۵	ایران بقذدهار ...
۶۷	افتیاض الریه بصوب پنجاب و رسیدن خبر محاصره قذدهار ...
...	برآمدن قلعه قذدهار از تصرف اولیای دولت و فرستادن پادشاهزاده
...	محمد اورنگ زیب بهادر و جمله الملکی سعد الله خان
...	و نبرد نمودن رستم خان و قلیچ خان سرداران قزلباش و فتح
۷۰	یافتن اینها بر قزلباشان ...
۹۳	جشن وزن مبارک قمری ...
۹۷	آغاز سال بیست و سوم جلوس مبارک ...
۱۰۵	ارتفاع یافتن رایات بصوب دارالخلافه ...
۱۰۶	جشن وزن شمسی ...
۱۰۷	تزئین یافتن بزم نوروز اول در دارالخلافه ...
۱۱۱	شروع سال بیست و چهارم جلوس مبارک ...
۱۱۹	جشن وزن شمسی ...
۱۱۹	توجه اشرف بگلگشت کشمیر ...
۱۲۱	جشن وزن قمری ...

(ج)

صفحه	عنوان
۱۲۴	آغاز سال بیست و پنجم از جلوس مبارک
۱۲۸	مراجعت از کشمیر به لاهور
۱۳۱	دستوری یافتن حاجی احمد سعید بسفارت روم
۱۳۴	جشن وزن مبارک شمسی
	نهضت رایات از لاهور به کابل و تعیین لشکر سرداری بادشاهزاده محمد اورنگ زیب بهادر و علامی سعد الله خان بجهت
۱۳۸	تسخیر قندهار مرتبه دوم
۱۴۲	جشن وزن قمری
۱۴۵	آغاز سال بیست و ششم از جلوس مبارک
۱۴۷	مراجعت نمودن لشکر ظفر اثر از قندهار بی نیل مقصود
۱۵۱	معاودت اوویه از کابل بصوب دارالخلافه
۱۵۵	جشن وزن شمسی
۱۵۵	تعیین یافتن بادشاهزاده محمد دارا شکوه به تسخیر قندهار
۱۵۹	جشن وزن قمری
۱۶۰	آغاز سال بیست و هفتم از جلوس مبارک
	روانه شدن شاه بلند اقبال از لاهور بصوب قندهار و مراجعت نمودن
۱۶۱	تشریف شریف بمستقر الخلافت اکبر آباد
۱۷۵	جشن وزن شمسی
۱۸۰	جشن وزن قمری
۱۸۱	کدخدائی سلطان سلیمان شکوه با دختر دارا امر سنگه خواهر زاده
۱۸۶	راجہ جی سنگه

صفحه	عنوان
۱۸۸	آغاز سال بیست و هشتم از جلوس مبارک
۱۹۳	متوجه شدن اعلیٰ حضرت بصوب اجمیر
۱۹۸	جشن وزن شمسی ...
۲۰۴	آغاز سال بیست و نهم از جلوس مبارک
۲۱۴	جشن وزن شمسی ...
۲۱۵	جشن وزن قمری ...
۲۱۸	آغاز سال سیم از جلوس سعادت مانوس
	نهضت بادشاهزاده محمد اورنگ زیب بهادر بگلگنده و آمدن میر
۲۲۱	محمد سعید میر جمله ...
	مامور شدن بادشاهزاده محمد اورنگ زیب بهادر بهم بیجا پور
	و مرخص گشتن معظم خان و دیگر امرای عظام باذصرام
۲۳۵	آن مهم ...
۲۳۷	نهضت والا بکنار گنگ ...
۲۳۸	جشن وزن شمسی ...
۲۳۹	جشن وزن قمری ...
۲۴۰	نهضت موکب معلیٰ بمتازل فیض آباد
۲۴۴	آغاز سال سی و یکم از جلوس والا ...
	کیفیت رسیدن معظم خان بخدمت بادشاهزاده محمد اورنگ زیب
۲۴۹	بهادر و مفتوح شدن اکثر قلاع بیجا پور و سوانج دیگر ...
	حقیقت عارض شدن عارضه ناملایم بر مزاج اشرف و وقوع وقایع
۲۶۳	عظیمه و برهم شدن معاملات سلطنت ...
	گزارش داستان عبوت انزلی که در آغاز سال سی و دوم جلوس

صفحه	عنوان
	باقضای قضای نازل رو داد و وقوع حوادث و بهم
۲۷۲ ...	شدن معامله ...
۲۹۰ ...	نقل نامه بیگم صاحب ...
۲۹۲ ...	نقل عرضداشت بادشاهزاده اردنگ زیب بهادر ...
۳۰۳ ...	فرمان عالیشان ...
۳۰۴ ...	جواب فرمان ...
	نقل فرمان که مصحوب خلیل الله خان و فاضل خان
۳۰۶ ...	فرستاده شد ...
۳۰۸ ...	نقل فرمان دیگر که مصحوب فاضل خان فرستاده شد ...
۳۱۱ ...	عرضداشت در جواب فرمان ...
۳۳۴ ...	گرفتار شدن بادشاهزاده محمد دارا شکوه ...
	آوردن بادشاهزاده محمد دارا شکوه را از نواحی بهکر و فیل سوار
	گوزانیدن از میان بازار دارالخلافت شاهجهان آباد و بردن
۳۳۹ ...	بخضر آباد ...
	رحلت بادشاهزاده محمد دارا شکوه ازین جهان بی مدار و گشتن
	بادشاهزاده محمد مراد بخش بفتوای قاضی گوالیار و فرستادن
	سلطان سلیمان شکوه و شاهزاده سلطان محمد بقلعه گوالیار
	و خورانیدن کرکنار و در گزشتن شاهزاده سلیمان شکوه
۳۴۱ ...	باجل طبیعی ...
	خرامش بندگان اعلی حضرت شاهجهان بادشاه غازی ازین
	وحشت سرای بسرابستان ریاض قدس و قرین ملال گشتن
۳۴۶ ...	متوطنان عرصه وجود ازین مصیبت عام ...

(و)

صفحہ	عنوان
	احوال برکت اشتمال اہل حال و قال از سادات عظام و مشایخ کرام و علمای علام و فضلی انام و اطباء حذاقت پیشہ و شعرائ لطیف اندیشہ و امرای عالی مقدار کہ ادراک سعادت عہد میمنت مہد حضرت صاحبقران ثانی نمودہ اند ۳۵۶
۳۵۷	سلسلہ سلسلہ علیہ مرتضوی سید محمد بخاری رضوی
	نقارہ آل کرامت صفات سید شریف الذات کریم الخصال سید جلال ۳۵۹
	قدوہ اصحاب فنا اسوہ ارداب بقا شیخ جلیل کبیر بزدگی حضرت میان میر ۳۶۳
۳۶۶	شیخ جلیل القدر شیخ بلال قادری
۳۶۷	مظہر تجلیات خفی و جلی مولانا مصعب علی
۳۶۹	خواجه عظیم القدر عزیز الوجود خواجہ خاوند محمود
۳۷۰	حقایق آگاہ ملا شاہ بدخشی
۳۷۲	زاهد پاکیزہ دین زبدہ اہل یقین میر حسام الدین
۳۷۳	صاحب باطن صافی و ظاہر ظاہر شیخ ناظر
۳۷۵	عارف عرفان نصیب شیخ حبیب معروف براجہ
۳۷۶	عمدہ نزدیکان حضرت باری ملا خواجہ بہاری
۳۷۶	عارف معنوی و صوری شیخ صادق برہانپوری
۳۷۷	صوفی پاک منش صافی ضمیر میان شیخ پیر
۳۷۸	ثابت قدم صراط مستقیم وحدت و توحید شیخ عبد الرشید
۳۷۹	آراستہ کمالات ازل و ابد میر سید محمد
۳۷۹	عارف کامل حقایق آگاہ شیخ عنایت اللہ

(ز)

صفحه	عنوان
۳۸۲ ...	سرآمد دانشوران واجب التعظیم مولانا عبد الحکیم ...
۳۸۴ ...	مجمع فضایل صوری و معنوی مولانا عبد الحق دهلوی ...
...	واقف رمز عجمی و تازی مولانا شکر الله شیرازی مخاطب
۳۸۵ ...	بافضل خان ...
۳۸۶ ...	دانشور خرد پرور علامه دوران سعد الله خان ...
...	منظور نظر عنایت بیچونپی ملا عبد الماک تونی مخاطب
۳۸۷ ...	بفاضل خان ...
۳۸۸	مورد مرآح ایزدی مولانا شفیعی یزدی مخاطب بدانشمند خان
۳۸۹ ...	بحر موج فیض بخششی مولانا فاضل بدخشی ...
۳۹۰ ...	فاضل والا مقام مولانا عبد السلام ...
۳۹۰ ...	سرآمد فضلی ملّت حنیف مولانا عبد اللطیف ...
۳۹۱ ...	سر دفتر علمای خطّه وجود ملا محمود ...
۳۹۱ ...	فاضل عالی فطرت مولانا عوض وجیه ...
۳۹۲ ...	مولانا یعقوب لاهوری ...
۳۹۲ ...	مولانا ابو الفتح ملتانی ...
۳۹۳ ...	حکیم صدرا خلف حکیم نضر الدین محمد شیرازی ...
۳۹۴ ...	حکیم ابو القاسم ماقب بحکیم الملک ...
۳۹۴ ...	حکیم یکنای کاشی ...
۳۹۴ ...	حکیم مومنانی شیرازی ...
۳۹۵ ...	حکیم فتح الله شیرازی ...
۳۹۵ ...	حکیم علم الدین مخاطب بوزیر خان ...
۳۹۵ ...	حکیم داؤد ...

(ح)

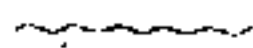
صفحة	عنوان
۳۹۶	شیخ حسن جراح متوطن کرانه
۳۹۷	سرآمد جادو کلامان نادره فن حاجي محمد جان قدسي
۴۰۲	ابو طالب متخلص بکليم
۴۰۴	واقف رموز نهان و پيدا ملا شیدا
۴۰۸	نکته سنج بی نظیر مولانا ابو البرکات المتخلص به منیر
۴۱۴	مولانا فیضا مهین برادر مولانا منیر
۴۱۵	مظہر فیض نامتناهی میر آہی
۴۱۷	حکیم حلق
۴۱۸	سعدای گیلانی
۴۲۰	محمد قلی سلیم
۴۲۲	ملا نسبتی تہاندسری
۴۲۴	حسن بیگ رفیع مشہدی
۴۲۶	شیخ محسن فانی
۴۲۸	اشعار غنی
۴۲۹	محمد علی ماهر تخلص
۴۳۰	ملا حسن فروغی
۴۳۲	سعید خان ملتانوی
۴۳۳	ملا حاجی لہوری
۴۳۴	چندر بہان برہمن
۴۳۵	میرزا جلالی طباطبائی یزدی
۴۳۶	علامی فہاسی افضل خان
۴۳۷	جمدۃ الملکی سعد اللہ خان

(ط)

صفحه	عنوان
۴۳۷	علاء الملک مخاطب به فاضل خان ...
۴۳۷	عبد اللطیف گجراتی لشکر خانی ...
۴۳۸	عبد الحمید لاهوری ...
۴۳۹	محمد وارث ...
۴۳۹	میرزا امینا ...
۴۳۹	شیخ عنایت الله ...
۴۴۱	ملا محمود جونپوری ...
۴۴۱	مولانا ابو البرکات المتخلص به منیر ...
۴۴۲	حکیم حاذق ...
۴۴۲	شیدا ...
۴۴۳	چندر بهان ...
۴۴۳	محمد مراد کشمیری مخاطب بشیرین قلم ...
۴۴۳	آقا رشیدا ...
۴۴۴	میر محمد صالح و میر محمد مومن پسران میر عبد الله مشکوف رقم ...
۴۴۴	شرف الدین عبد الله ...
۴۴۵	میر سید علی تبریزی ...
۴۴۵	میرزا محمد جعفر مخاطب به کفایت خان و جلال الدین یوسف ...
۴۴۶	مغاصب بادشاهزادهای عالی مرتبت ...
۴۴۸	امرای نه هزاری ...
۴۴۸	امرای هفت هزاری ...

(ی)

صفحه	عنوان
۴۴۹ ...	امرای شش هزاری
۴۵۰ ...	امرای پنج هزاری ...
۴۵۲ ...	امرای چهار هزاری ...
۴۵۳ ...	امرای سه هزاری ...
۴۵۶ ...	امرای دو هزار و پانصدی
۴۵۷ ...	امرای دو هزاری ...
۴۶۰ ...	امرای هزار و پانصدی
۴۶۴ ...	امرای هزاری ...
۴۷۰ ...	امرای نهصدی ...
۴۷۱ ...	امرای هشت صدی
۴۷۵ ...	امرای هفت صدی
۴۷۸ ...	امرای شش صدی ...
۴۸۱ ...	امرای پانصدی ...





شروع سال بیست و یکم جلوس میمنت مانوس

روز شنبه غره جمادی الثانی سنه هزار و پنجاه و هفت آغاز سال بیست و یکم از جلوس میمنت مانوس پیرایه مسرت و شادمانی برگزار داده چون با روز عید گلابی موافق افتاده بود بنابر رعایت رسم این روز شاهزاده‌های والا قدر و امرای عظام آوانی مرصع و زرین پراز گلاب در خور حالت و منزلت از نظر اشرف گزینیدند - مراد کام صفوی بخدمت فور بیگی و طاهرخان ولد محمد اشرف پسر اسلام خان باضافه منصب سرافرازی یافتند - بعرض مقدس رسید که لشکر اوونیکه که در نبرد بلخ راه فرار پیموده آواره دشت ادبار گشته بودند اراده دارند که بددخشان رفته دستبرد می نمایند - لاجرم شاهزاده محمد مراد بخش را پنجم ماه مذکور بمرحمت خلعت با نادری و در اسپ از طویل خاصه با زین میناکار و طلا نوازش نموده بدانجانب رخصت فرمودند - لهراسپ خلی را بمنصب سه هزاری ذات در هزار و پانصد سوار از اصل و اضافه و اسپ با زین نقره و هریک از شمس الدین ولد مختار خان و سید عالم و روح الله ولد یوسف محمد خان تاشکندی و فدیر بیگ سلدوز و سید محمد ا و قباد خلی بعنایت اسپ سر بلند گشته همراه آن والا گهر رخصت گردیدند - و عبد الله ولد سعید خان بهادر ظفر جنگ که از جانب



پدر بنظم بهگرمی پرداخت از اصل و اضافه بمنصب هزار سوار
سرافراز گردید *

پانزدهم بادشاه فلک جاه بسیر خیابان و درانیدن اسپان خاصه
تشریف فرمودند - همین روز بمنزل شاه شجاع نزول اشرف ارزانی داشته از
جمله پیشکش آن والا گهر سه لک و بیست هزار روپیه جواهر و مرصع آلات و
فیل و افمشه و دیگر ظرایف بنگاله گرفتند - خدیو کرم گستر بآن والا گهر
سرپیچ یک قطعه لعل و دو دانه مروارید و قدری مرصع آلات بقیمت یک
لک روپیه و اسپ عربی نژاد ظفر نام با زین میفاکار و بهر دو پسر نیک اختر
آن فیرواج خلافت سلطان زین الدین محمد و سلطان بلند اختر دو تسبیح
مروارید و دو طره مرصع مرحمت فرمودند - سیادت خان برادر اسلام خان
بمنصب دوهزاری هفت صد سوار و افتخار خان بمنصب دو هزار سوار پانصد
سوار و صوفی بهادر بمنصب هزار سوار سربلندی یافتند *

چون از واقعه بلخ و بدخشان معلوم اشرف گشت که اوزبکان فسخ اراده
تاخت بدخشان نموده اند شاهزاده محمد مراد بخش حسب الحکم مقدس
از چاریکار مراجعت نموده استلام رکن و مقام کعبه آمال و امانی بجا آوردند -
حکم شد لهراسپ خان دو بیست اسپ بواسطه احدیان و سرب و باروت
بنور الحسن تپانه دار غوری رسانیده بر گردن - نوزدهم شاهزاده مراد بخش
بعنایت خلعت و سرپیچ یک قطعه زمرد و دو دانه مروارید و تفویض حراست
کشمیر سرافراز یافتند رخصت آنصوب گردید *

بیست و یکم بیادشاهزاده عالی مقدار محمد اورنگ زیب بهادر
خلعت خاصه با فاندی و چهار اسپ با زین طلا و بامیر الامرا خلعت
و دو اسپ با زین طلا و بهر کدام از بهادر خان و رستم خان خلعت خاصه

با زمین زین و بشاد خان خلعت و اسب با زمین مطلا از روی عنایت ارسال داشتند - و خدمت قلعداری کابل از تغیر شیورام کور بعهده شاد خان مقرر نموده حکم فرمودند که تا آمدن از میمنه ملتفت خان بکراست آن پردازد - و بیست و سوم سید هدایت الله قادری که پدرش سید احمد قادری در عهد حضرت جنت مکانی بصدارت کلّی هندوستان سرافرازی داشت بخدمت صدارت از انتقال برگزیده دردمان نجات و اجلال سید جلال مرحوم مغفور و اضافه پانصدی و دو بیست سوار فرق عزت برافراخت - چون پرستار خاص اکبر آبادی محل را عارضه طاری گردید و بمداوی تقرب خان صحت یافت از اصل و اضافه بمقصد سه هزاری چار صد سوار بر نواختند *

پناه آوردن نذر محمد خان باستان دولت نشان بارگه خلافت و باز مرحمت فرمودن ملک بلخ و بدخشان از روی فضل و احسان بخان مذکور

چون از ذره تا خورشید و ماه تا ماهی بپرتو عدل و احسان خدیو زمین و زمان در موطن روح و راحت اند و ذات کائنات صفات آن وسیله * ارزاق کائنات پیوسته در حصول این ماده مانند وجود حضرت واجب الوجود بالذات اقتضای عموم و شمول عطا می کند و در باب احسان از فیض سعادت دست نیسان مثال عمان نشان همواره در ایصال انواع مواهب بالطبع بهانه جو می باشد مکفون خاطر ملکوت ناظر آن بود که بعون عنایت الهی مملکت ماوراءالنهر از خس و خاشاک ننده

کیشان پاک و صاف ساخته و بظلم و نسق آن دیار از قرار واقع پرداخته از کمال عنایت و مهربانی و پایه شناسی و مرتبه دانی باز به نذر محمد خان مرحمت فرمایند چنانچه از مضامین نامه‌های گرامی که بجانب خان مذکور صورت ارسال یافته این معنی مستفاد میگردد - و لیکن چون خانرا ادبار دریافته و دولت از رو برتافته بود بنابراین طالعی و بی نصیبی رو از قبله آمال گردانیده قدم در وادی ناکامی نهاد - و آشفته رانی و خام طمع که لازمه تفرول مغیبات است اضافه علت شده بمصلحت چندی از نافرسان روزگار مرحله پیمای ایران شد - چون شجره املش در آن سیر زمین بجز ناکامی بری نداد و تردد و تکاپوی بی محاصل نفعی نه بخشید لاجرم باز به بلخ مراجعت نموده خواست که در یکی از قلاع ولایت بلخ توقف نموده به تحصیل اسباب جمیعت و تهیه لشکر پرداخته پرو بال شکسته را درست نماید - چنانچه بمددگاری کفش قلماق و غیره قلعه میمنه را محاصره نموده قلعه را مرکز وار به پرگار احاطه تنگ فضا ساخت - و در یورش از کشش و کوشش بهادران موکب سعادت سرها به تیغ و نفاها بزخم داده بی نیل مدعا و فوز مراد مراجعت نموده رخت افامت به بیلچراغ کشید - و آنرا مارا و منزل رفیع حوادث روزگار اندیشیده منتظر خبر فتح و شکست عبد العزیز خان و غیره پسرانش که با کل لشکر مارا، النهار به بادشاهزاده والا گهر محمد اورنگ زیب بهادر مقابل شده سعی و کوشش از اندازه گززانیده بودند نشست - از آنجا که اغلب اوقات قلات عدد علت غلبه میگردد در آخر امر بمدد تائید آهی شاهزاده مظفر و منصور شده اعدا مغلوب و مخدول راه فرار سر کردند - چون از همه جانب نومید مطلق شده از کرده نادم و پشیمان گردید لاجرم بحسب مصلحت دید خرد که در امثال این وقت‌های نازک از پا افتادگانرا دستگیری می نماید ندامت

و خجالت را عذر نادانی خود نموده مکتوبی مشعر بر اظهار اطاعت و توسل بذیل عاطفت خدیو زمان بشاهزاده نوشته خواهش ملاقات آن والا جناب را در ضمن مطالب ضراعت آمیز رافت آموز ظاهر ساخت - شاهزاده والا گهر بمقتضای به اندیشی و سعادت منشی عرضداشتی مشتمل بر حقیقت مذکور با نامه فذر محمد خان بدوگاه عالم پناه ارسال داشته التماس ترحم بر حال او نمودند - از آنجا که ذات ملائک صفات حضرت ظل سبحانی بالذات اقتضای عفو تقصیرات و فرور گزاشت زلات داند و انماض لازمه سرشت قدسی طیفنت آنحضرت است کردهای خان مذکور را نا کرده انگاشته متوقعات او را بقبول تلقی نموده حکم فرمودند که اگر فذر محمد خان بپادشاهزاده والا گهر ملاقات نماید بلغم و بدخشان را باو داده آن والا گهر لشکر ظفر اثر را از اطراف طلب داشته روانه حضور پهنور شوند - و عمده موجبات مراجعت فغلق و بیدلی امر او شد و نیز بسبب شدت ضیق تعیش که از قلت غله و کثرت عسرت و فرط وقوع بلائی قحط و غلا ناشی شده بود و وفور رغبت پادشاهزاده هلمی والا تبار و امرای نامدار به تفعلمات و مستلذات سرزمین دل نشین هندوستان که ام یخلق مثلها فی البلاد در شان اوست و تفرج مکانهای ازم آئین فردوس نوزین که از کمال آبادانی و جمیعت همگی بیوت و منازل معاننه چون فصور هفت حدقه بمردم نشین می مشهور و از متاع عین مالا مال و معمور است و فرط تذفر سوار و پیاده از اقامت توقف این مملکت و دواه تردد بتعاقب اوزبکان تاخت آرز که در آن بوم و بر و دشت و در از عمارات علامات فگزاشته و آبادانی را از بزیاد بر انداخته عالم بر چغد و بوم گلستان ساخته بودند مجال توقف محال دانسته بی اختیار بدادن بلغم راضی گشتند •

معاودت موکب همایون از گابل بدار السلطنت

لاهور و از آنجا بمستقر الخلافه اکبر آباد

چون خاطر اشرف از سیر تفریحات کابل فارغ گشته از هیچ راه به هیچ
 زو در آن سرزمین حالت منتظره نماید بسمت قرار گاه خلافت بیدرنگ
 آهنگ فرموده سلخ رجب از بت خاک گزشته منزل نمودند و شاهزاده
 محمد شجاع را بعنایت خلعت با نادری سرافراز نموده حکم فرمودند
 که هرگاه شاهزاده محمد اورنگ زیب بهادر داخل سرحد کابل شوند
 آن والا گهر عازم درگاه والا گردد - دهم باغ نیمه که در سال گزشته مشتمل بر
 سه دست عمارت اساس یافته بود درینوقت با تمام رسیده از نزول اشرف صفا
 و طراوت تازه یافته بباغ فرح افزا موسوم گردید - چهارم باغ صفا
 که بنا نهادند حضرت فردوس مکانی ست از یمن قدم مبارک طراوت
 بی اندازه پذیرفته از فروغ چراغان شب برات که بر کنار نهر آن بترتیب
 چیده بودند رشک مشرق ماه منیرگشت - انار این هر دو باغ صفا و
 وفا که برنگینی و شادابی مشهور آفاق است بکمال رسیده حلاوت پیرای
 ذایقه خاص و عام شد - سعید خان را که از بلخ رسیده سعادت ملازمت
 حامل نموده بود بگوناگون مراحم و عواطف تسلی نموده بعنایت صوبه
 بهار پایه رفعت قدش بمراتب درجات مقدار بخشش والا رسانیدند - و یک
 لک روپیه مطالبه سرکار خاصه که بر ذمه خانزاد خان و لطف الله خان
 بود بخشیده در وقت رخصت بعنایت خلعت خاصه و دو اسپ
 بساز طلا مختص و سر بلند فرمودند - و خلیل الله خان را بدستور سابق
 بمقصد چار هزاره سوار و فوجداری و جاگیر میدوات از تغیر شاه بیگ خان
 معزز ساخته حکم فرمودند که ملازمت نموده از لاهور روانه خدمت

مرجوعه گردد - روز دیگر اسلن بیگ و میر عزیز که اولین فتح نامه بلخ نزد والی ایران و دویمین عنایت نامه به نذر محمد خان برده بودند بدرگاه معلی رسیده دولت کورنش اندوختند - رای تودرمل دیوان و امین و فوجدار سهند و سرکار دیبالپور و جالندهر و سلطانپور که پنجاه لک روپیه هر ساله حاصل این خالصات است چون بمعاملات خاطر خواص پرداخته بود غائبانه بخطاب راجگی و منصب در هزار سوار از اصل و اضافه سرافراز ساختند *

بیست و ششم ظاهر پشاور را مخیم سرانقات جاه و جلال گردانیدند - سوم رمضان براه پلی که از کشتیها بر آب نیلاب بسته بودند عبور نموده خارج حصار اتک مرکز اعلام منصور گردانیدند - درین تاریخ فهرست مجموعه دولت و اقبال شاهزاده سعادت پزوه محمد دارا شکوه با پسر خجسته سیر سلیمان شکوه که از لاهور باستقبال آمده بودند شرف ملازمت حاصل نموده هزار مهر نذر گذرانیدند - و بعدایت یک قطعه الماس که صد رتی وزن و یک لک روپیه قیمت داشت و اسپه از نسل عذتر موسوم ببادشاه پسند که بیانزده هزار روپیه قیمت ابتیاع شده بود با زمین طلا سربلند گردانیدند - عبد الله بیگ نبیره شکور بی اتالیق امام قلی خان بیاروی طالع بیدار بعزم بندگی درگاه جهان پناه از عبد العزیز خان جدا شده بوسیله سفارش بادشاهزاده عالی فطرت فلک جاه محمد اورنگ زیب بهادر شرف ملازمت دریافته بعدایت خنجر مرصع و منصب هزاره چار صد سوار و اسپ با زمین نقره و پانزده هزار نقد کامیاب گشت *

بیستم از پل سفاین که بر دریای بهت ترتیب داده بودند گذشته جریده بشکار قمرغه گذار تشریف برده بیست و چهار بز کوهی و بیست و پنج قوج و چهار چکله از آن میان چهارده به تفنگ خالص و نه راس از

ننگ شاهزاده سید گشته باقی را زنده گرفته مراجعت فرمودند - لهراسپ خان از اصل و اضافه بمنصب سه هزار و سه هزار سوار و فراست خان بخدمت نظارت و منصب هزار و پانصدی چهار صد سوار از انتقال فیروز خان که در بهتاس پیمانده حیات برآموده بود سرافرازی یافتند - سید احمد سعید که از زر خیرات سرکار جهان مدار متاع یک لک و پنجاه هزار روپیه باب عرب حسب الحکم اشرف بحرین شریفین برده در آنجا بده بیست که سه لک روپیه باشد فروخته باریاب استحقاق هر دو مکان که همیشه از فیض افضل بادشاه غریب نواز کرم گستر بهره یاب اند قسمت نموده بر گشته بود از دریافت ملازمت لازم البرکت و اسلام رکن و مقام آستانه قبله انام سعادت اندوز دین و دنیا گردید *

بیست و ششم از دریای چناب گزشته سلخ ماه در عمارت حافظ آباد و سوم شوال مبارک فال در جهانگیر آباد تشریف ارزانی فرمودند - درین منزل خسرو سلطان و ملا علاء الملک میر سامان که در لاهور برای سرانجام بعضی مهم مانده بودند و ظفر خان و مسیح الزمان از کشمیر آمده شرف کورنش دریافتند - سید حسن سفیر عادلخان و میر فصیح حاجب قطب الملک تقبیل عتبه علیه نموده هر کدام پنج فیل از آن میان یکی بساز طلا و چهار با ساز نقره و برخی مرصع آلات که هر دو بعنوان پیشکش ارسال داشته بودند از نظر فیض اثر گزارانیده سید حسن بانعام خلعت و یک مهر و یک روپیه دو صد تولگی و میر فصیح بمرحمت خلعت معزز گردیدند - خسرو سلطان بعنایت یک فیل با ساز نقره و ملا علاء الملک بمنصب در هزار و چهار صد سوار از اصل و اضافه مفتخر و مباهی گشتند - پنجم شوال بدولت و اقبال داخل عمارت دار السلطنت لاهور که باعتبار نزهت و صفا و خوشی و دلکشی آب و هوا از سایر عمارات روی زمین امتیاز دارد گشته

نوزدهم ماه مذکور بصوبه مستقر الخلافت اکبر آباد نهضت فرمودند - منزل اول در باغ فیض بخشش و فراح بخشش قرار یافته آن مکان سعادت نشان به میامن آثار قدوم همایون طراوت دیگر یافته در فیض بخششی و روح پروری نمونه ارم برین و بهشت روی زمین گدید - سید حسن لختی از اشیای نفیسه بیجا پور و میر فصیح امتعه گولگنده بعنوان پیشکش گزارانیده اولین را بانعام نه هزار روپیه و دویمین را بمرحمت هشت هزار روپیه سرافراز ساختند - و قباد ولد اسد خان کابلی را بعنایت خلعت و خدمت قوش بیگی و خطاب خانگی و حکیم فتح الله را بمنصب هزارگی صد سوار گامیل نمودند •

بیست و چهارم برای کانو واهن که صیدگاه مقرریست متوجه اکبر آباد گشته غرقاً ذیقعدة آن سرزمین را مرکز ایالت عالیات ساختند - سوم ماه مذکور از واقعه دکن بعرض اشرف رسید که اسلام خان صوبه دار دکن از کمال قابلیت و سعادت مندی و مزاجدانی بمنصب هفت هزارگی هفت هزار سوار و مرتبه والی وزارت رسیده الیوم بصوبه داری دکن سرافرازی داشت بمقتضای قضا برحمت حق پیوست و خبر فوت او موجب تحیر و تلسف تمام گشت - بادشاه قدردان بازماندهای او را بموجب ذیل سرافراز ساختند - برادرش سعادت خان به منصب دو هزار و پانصدی هزار سوار و خدمت قلعداری دولت آباد بآئین پیشین و محمد اشرف نخبستین پسر او بمنصب هزار و پانصدی دو صد سوار و محمد صفی پسر دویمین بمنصب هزار و پانصدی چار صد سوار و محمد شریف پسر سومین بمنصب پانصدی دو صد سوار و غیاث الدین پسر چهارمین بمنصب پانصدی صد سوار از اصل و اضافه و عبد الرحیم و عبد الرحمن دو پسر خوردن سال بمنصب در خور سربلند ساخته اندوخته خان مرحوم بورته سعادت فرمودند - و به

شاهنواز خان صوبه دار مالوه حکم شد که تا رسیدن صوبه دار بمحافظت آن
ملک پردازد •

تتمهٔ احوال بلخ و بدخشان و مرحمت نمودن این دو ملک به نذر محمد خان

چون نذر محمد خان در بیلچراخ اقامت نموده چندانکه کوشید
و اندیشها اندیشید سودمند نیفتاده خواهش او بجای فرسید لاجرم التجا
بدرگاه عالم پناه که مقر و مقرجهانیان و مرجع و مجمع عالمیانست آورده
خصوصیات احوال خویش خصوص آوازی و بیچارگی سفر ایران در طی
مکتوبات نوشته نزد شاهزاده فرستاد و استدعای عطای بلخ و آمدن طاهر
خان برای حصول جمعیت خاطر نمود لاجرم شاهزاده والا گهر نوزدهم
جمادی الثانی سنه بیست و یکم جلوس مبارک طاهر خان را با عطاء الله
بخشی خون نزد او فرستاده و فرستادهها را ارشاد نمودند که دریافت مطالب
و مآرب او نموده و خاطرش از پراگندگی جمع نموده مکتوب بقلم آرند -
خان مذکور بعد از رسیدن فرستادهها و نامه ظاهر ساخت که قلعهٔ میمنه را
اگر اولیای دولت بتصرف من دهند وابستگان و اسباب و اموال در آنجا
گذاشته روانه بلخ میشوم شاهزاده بعد از آگهی جواب دادند که اگرچه در
جنب عطای بادشاه فلک جاه این التماس معلوم هرگاه بلخ و بدخشان
بایشان تکلف نموده آید مرحمت قلعهٔ میمنه نیز ضمیمهٔ عطای دیگر خواهد
گشت اما پیش از آمدن بلخ این مطلب قابل ذکر نیست - خان مذکور
ازین معنی رنجیده در آمدن متامل گشته ظاهر ساخت اگر دامن بلخ

البته پیشنهاد همت والا بی بود در دادن قلعه میمنه ایستادگی نمی نمودند - هرچند ظاهر خان خاطر نشان او ساخت و کلمات دانش پسند بر زبان آورد از پس توهم قبول فکریه محمد قلی کلباد را که از نوکران معتمد او بود برای تشیید مبانی معاهده همراهه عطاء الله فرستاد - شاهزاده بعد از رسیدن آنها عهد نامه موافق خواهش مرقوم قلم مرحمت رقم گردانیده با مکتوب استمالت آمیز مرسل داشتند - نذر محمد خان از بیلچراغ کوچ نموده بسبب خوف و هراس باهستگی قطع مسافت نموده بهرجا که می رسید بی ضرورت چند روز توقف نموده قدم پیش نمی گذاشت - شاهزاده والا مرتبت شانزدهم بهادر خان را با لشکری که در بلخ بود تعیین نمودند که برسم استقبال بشیرخان رفته اگر نذر محمد خان را عزم آمدن اینجا مصمم باشد معزز و مکرم همراهه آورده همه جا در تمهید مبانی احترام و اکرام او کوشش نماید و الا بدستور سابق از روی دلیری تمام بی تعاشی برزم پرداخته آنچنان آوارا وادی فرار و سرگشته راه ادبار گرداند که دیگر پای جرأت از حد گلیم کوتاه خویش فرایش نهد - بهادر خان چون بآن سمت روانه گردید نذر محمد خان و طایفه قلمایه که راتق و فاتق مهمات او بودند در مضیق تعبیر و تفکر افتادند و صریح ظاهر کردند که ما را تاب صدمه عساکر منصوره نیست - نذر محمد خان در قلق و اضطراب افتاده کفش قلماق را که سردار طایفه قلمایه بود روانه نمود که اول به بهادر خان ملاقات نموده او را بلطایف الحیل برگرداند بعد آن مکتوبی که برای ملاقات بشاهزاده نوشته شده بگزراند - فرستاده مذکور در شیرخان بهادر خان را طلبیده ظاهر ساخت که بسبب نا دادن قلعه میمنه خاطر خان ازیشان جمع نیست الحال اگر شیرخان را بخان خالی نموده بدهند ستورانوا آسایش داده و بنه و بار آنجا گذاشته متوجه ملاقات شاهزاده

می شود - اگر رعایت قدردانی و مهربانی در میان این ملت‌مس بدرجه قبول موصول نشود خان مذکور بی شبهه از جای که رسیده مراجعت نموده بهر جا که مناسب داند خواهد رفت - بهادر خان بذایر رفع دغدغه و تفرقه خاطر خان عزیمت و اراده او را پیش دید نظر عاقبت بین و پیش نهاد همت بلند همت ساخته بمقتضای صلاح وقت قلعه شبرغان را خالی کرد کفش قلماق سپرد و خود کوچ نموده نواحی پل خطیب را مرکز دایره دولت یعنی لشکر ظفر اثر گردانید - کفش قلماق خاطر از شبرغان جمع کرده به ملازمت شاهزاده شتافت و نامه که تاریخ آمدن خود دوم ماه رمضان مقرر نموده فرستاده بود گزرائید - شاهزاده کفش قلماق را خلعت و شصت هزار شاهمی از سرکار بادشاهی داده رخصت نمودند و خود به اراده استقبال از بلخ متوجه پیش گشته در نواحی فیض آباد دایره فرمودند *

درین اثناء نوشته ندر محمد خان رسید که اگر چه وعده ملاقات در نزدیکی پل خطیب بود اما این معنی را موجب تصدیق ایشان اندیشیده ملاقات را در نواحی شهر قرار داد - و امید که آن والا جاه بشهر مراجعت فرموده هرگاه انفاذ عزیمت قریب الوقوع گردد در نزدیکی شهر هر جا مناسب دانند از ملاقات مسرور سازند - روز چهارم رمضان که ساعت ملاقات ندر محمد خان بود خبر رسید که آمدن خود بذایر مرضی که برو طلوی شده موقوف داشته قاسم سلطان ذبیره خود با کفش قلماق و جمعی دیگر فرستاده معذرت کوتاهی خود خواست - حسب الامر شاهزاده والا قدر نوباره بوستان خلافت سلطان محمد با بهادر خان تا یک گروه استقبال نموده نزد بادشاهزاده آوردند - آن والا جاه قاسم مذکور را از روی عاطفت در آغوش عنایت آورده نزدیک بمسند خود نشانند - و بعد از رخصت او با سایر

الامرا بهادر خان و راجه جی سنگه و غیره بطریق کذکش ظاهر ساختند که باوجود گرانجی غله و ویرانی ملک و قرب موسم زمستان درین محال مجال توقف محال است - لاجرم غله رو بگرانی نهاده چنانچه منی بده روپیه رسیده و کاه و هیمة مطلق نایاب است - و سامان موسم زمستان نفموده درین ملک مانند بغایت دشوار و حکم اقدس صادر شده که بعد از آمدن نذر محمد خان بلخ و بدخشان را بار بگزارند و او بعد مرض مستهسک گشته نبیره خود فرستاده صلاح دولتخواهان چیست - همه متفق شده معروض داشتند که تا رسیدن جواب برف راهها مسدود ساخته فرصت عبور از کتل هندو کوه نمی دهد - در آن صورت نه سامان مانند و نه طاقت کوچ نمودن بر مردم سخت مشکل میشود - لاجرم شاهزاده حلوان قلعهجات نواحی بلخ را بحضور طلبیده ازین جهت که اوزبک و المان بسیار در آن نواحی متفرق شده هر جا جماعتی قلیل می دیدند بیدرنگ بر آنها می تاختند - راجه جی سنگه را برای آوردن سعادت خان بترمن فرستاده خواستند که بهادر خان را بمدد رستم خان تعیین نمایند - درین اثنا عرضداشت رستم خان رسید که بنده با جمعیت خود متوجه میمنه گردیده که شادخان را همراه گرفته برای شان چاریک روانه کابل می‌شوم - پانزدهم رمضان شاهزاده از فیض آباد مراجعت نموده در جلگه متصل شهر منزل اختیار نمودند - و آن ملک را بنذر محمد خان داده قلعه بلخ را به قاسم و کفش قلماق سپرده هنگام وداع یک قبضه خنجر مربع و یک زاس اسپ با یراق طلا و پنجاه هزار روپیه از سرکار والا بقاسم سلطان و پنجاه هزار من غله که به نرخ آن وقت پنج لک روپیه ارزش داشت سوای غلات ذخیره قلاع دیگر به نذر محمد خان عطا فرموده حواله او نمودند - اگر نذر محمد خان خود می آمد مطابق حکم معلی بادشاهزاده عالی قدر چهار لک روپیه